بسم الله الرحمن الرحيم

الحمدلله رب العالمين وصل الله علي سيدنا و نبينا العبد المويد و الرسول المسدد و المصطفي الامجد ابالقاسم محمد و علي اهل بيته الطيبين الطاهرین المعصومين و لعنه الله علي اعدائهم و الظالميهم و قاتليهم الي قيام يوم دين.

فَأَسْأَلُ اللَّهَ الَّذِي أَكْرَمَنِي بِمَعْرِفَتِكُمْ وَ مَعْرِفَةِ أَوْلِيَائِكُمْ وَ رَزَقَنِي الْبَرَاءَةَ مِنْ أَعْدَائِكُمْ‏ أَنْ يَجْعَلَنِي مَعَكُمْ فِي الدُّنْيَا وَ الْآخِرَةِ وَ أَنْ يُثَبِّتَ لِي عِنْدَكُمْ قَدَمَ صِدْقٍ فِي الدُّنْيَا وَ الْآخِرَةِ وَ أَسْأَلُهُ أَنْ يُبَلِّغَنِي الْمَقَامَ الْمَحْمُودَ لَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ‏ وَ أَنْ يَرْزُقَنِي طَلَبَ ثَارِي (ثَارَكُمْ) مَعَ إِمَامٍ هُدًى (مَهْدِيٍّ) ظَاهِرٍ نَاطِقٍ بِالْحَقِّ مِنْكُمْ

صل الله عليك يا مولانا يا اباعبدلله صل لله عليك يابن رسول الله صل الله عليك و علي أعوانك وأنصارك و المستشهدين معك

شام غريبان سيد شهدا است . شب خون و ماتم و اندوه اهل بيت است. امشب چون شام غريبان امام حسين است. بعد از جمع بندي يکی دو درس عملي هم براي ارتباط با سيد الشهدا تذكر مي دهم و بعد از آن هم انشاءالله مقتل امشب و مصائب بي بي زينب كبري را خواهیم خواند.

ما بحثي را كه امسال به حسب وظيفه شرعي، گفتيم مسئله ولايت ائمه، ولايت فقيه و ولي فقيه از ديدگاه حضرت امام بود . سه جلسه درباره ولايت ائمه و ولايت فقيه از منظر امام سخن گفتیم. ديشب هم که جلسه چهارم بود، آراء و انديشه هاي امام را درباره ولي فقيه بررسي كرديم. حاصل آن سه جلسه اي كه درباره ولايت ائمه و ولايت فقيه صحبت كرديم، اين شد، كه امام رضوان الله تعالي عليه برای ولايت و خلافت دو معنا تصویر کرده كه يكي ولايت و خلافت، به معناي يك مقام واقعي و تکوینی است كه ربطي به قراردادها و روابط بين انسانها ندارد ، يك مقام واقعي در متن خلقت و در متن آفرينش است و يک مقام دیگری هم به نام مقام خلافت جعلی انسان تصویر کرده که اعتباری و قراردادی است.امام توانسته است اين دو معنا را درست كند و در آيات قران كريم اين دو را نشان بدهد. كه انسان دو مقام دارد.

يکی جايگاه واقعي و تکوینی است که بر اساس اين جايگاه واقعي اين انسان مجراي فيض خداست و انسان کامل است كه كانال رزق و روزي و فيض خدا رو به بقيه مخلوقات باز میکند

نشان داديم كه اين مقام قراردادي نيست آياتي هم از قرآن كريم بیان کردند ، مثل آيه شريفه اني جاعل في الارض خليفه خدا به فرشته ها ميفرماید:

(اراده کرده ام، خليفه ای در روي زمين بگذارم) و آدم را خلق كرد.

عرض كرديم :خلافت آدم معنایش حكومت آدم نيست چون آدم كه حاكم نشد خلافت آدم ،جايگاهي است براي آدم كه آدم را معلم فرشته ها می کند لذا فرمود( و علم آدم الاسماء كلها) آدم، خليفه خدا، شاگرد خدا، علم به همه اسماء پيدا كرد و بعد شد معلم فرشته ها اين خلافت براي آدم كه مقام معلمي فرشته هاست يک مقام واقعيست، قرارداد نيست.

بر اساس اين معنا از خلافت يك معناي دقيق در قرآن درست مي شود بنام امامت كه اين معناي دقيق امامت مقامش از مقام نبوت بالاتر است و كسي مثل حضرت ابراهيم در جواني پيغمبر شد ولی در پيري امام شد ، چون مقام امامت به معناي خلافت تكويني در متن خلقت بالاتر از مقام نبوت است .

آياتي مثل (وجعلنا منهم ائمه يهدون بامرنا) \_قرار داديم بعضي ازانبيا را اماماني که به امر ما هدایت میکردند\_نشان میدهند که بعضي از انبيا ،امام شدند.

دسته ديگری از آیات قرآن مربوط به خلافت، به معناي حكومت اند، حضرت ابراهيم پيغمبر بود بعد امام شد ،خلافت تكويني داشت در متن واقع يك مقام واقعي بالا و برجسته داشت ،اما حكومت نداشت ما درباره حضرت ابراهيم آيه نداريم كه ابراهيم ما تو رو حاكم كرديم برو و به عدل قضاوت كن چراکه ابراهيم حاكم نشد.

بله حضرت داود، خليفه شد (يا داوود انا جعلناك خليفه في الارض فاحكم بين الناس بالعدل ) سوره ص داوود تو خليفه مائي حكومت كن براساس عدل .

اميرالمومنين خلافت تكويني دارد، حضرت زهراسلام الله علیها هم خلافت تكويني دارد(یک سال ثابت كرديم بواسطه آيه تطهير كه حضرت زهرا همان مقام خلافت كبرايي را دارهدكه اميرالمومنين دارد ) اميرالمومنين علاوه بر خلافت تكويني خلافت ظاهري و حكومت هم دارد 4سال و 9 ماه امام حسن مدت كوتاهي خلافت ظاهري دارد اما امام حسين خلافت ظاهري ندارد، زين العابدين خلافت ظاهري ندارد، مي خواهم در ذهن هاي شريفتان مقام خلافت تكويني ومقام خلافت ظاهري را از هم جدا کنید ،بعضي از آيات اين مقام را اشاره دارند بعضي آن مقام را.

براي اولياء الهي مقام خلافت تكويني ثابت است البته با مراتبی که سابقا توضیح دادیم ابراهيم نسبت به ائمه ما امامتش پائين تراست بنا بر آیات ، ولي مقام خلافت ظاهري و حكومت ظاهري، مقام ظاهري و دنيويست كه بعضي از اولياء الهي پيدا مي كنند بعضي ها پيدا نمي كنند.

يكي از كارهاي بسيار خوب ايشان تذکر به این مطلب بود كه هردو مقام درش كلمه جعل وجود دار چه درباره حضرت آدم ابوالبشر که فرمود (اني جاعل في الارض خليفه )وچه درباره حضرت داوود که (انا جعلناك خليفه في الارض) ماده جعل هر دو برمیگردد به جعل الهی .

هردو جعل است، خدا بايد جعل كند، كه البته گفتيم بحث بسيار خوبي در فلسفه اسلامي در شاخه فلسفه اخلاق مطرح است كه جعل اعتباري خدا يعني چه؟چه طور خدا جعل اعتباري مي كند؟ بحثی بسيار اساسي است، درس هم مي خواهد كلاس درس هم مي خواهد الان هم جاش نيست. اما قرآن دلالت مي كند هردو جعل الهيست.

بنابراين از مجموع آيات قرآن بدست می آید :

1-مقامي داريم به نام مقام نبوت.

2 مقامي داريم به نام مقام امامت كه خلافت تكويني است.

3. مقامي داريم به نام مقام حكومت ظاهري انبياء‌الهي.

بعضي به مقام امامت مي رسند ،از بین کسانی كه به مقام امامت رسيدند بعضي ها به مقام خلافت ظاهري هم مي رسند اينها ميشوند نبي اكرم.

حالا یک بحث مفصلیست كه نبي اكرم چند شان دارد؟

شان نبوت، شان امامت، شان زعامت.

لذا حضرت امام رضوان الله تعالي عليه خيلي عالي ،مي گویند: اول بايد در قرآن کریم این مقامات تحلیل بشود، مقام نبوت ، مقام امامت، خلافت تكويني ،خلافت جعلي بعد برویم سراغ دليلي به نام دليل لزوم خلافت تكويني و دليل لزوم خلافت جعلي و اعتباري، بنا بر این دلیل این دوتاخلافت بايدتا قيام قيامت ادامه پيداكند خلافت تكويني بايد تا قيام قيامت ادامه پيداكند لذا امام زمان هميشه بايدزنده باشد خلافت جعلي و قراردادي و اعتباري هم بايد ادامه پيدا بكند.

رسیدم به این عبارت : فماهو دليل الامامه بعینه ... هر چه دليل امامت است که از آن 1-خلافت تكويني 2- خلافت جعلي بدست مي آید،دلیل بر استمرار اين شئون هم هست. به نظر حضرت امام مهمترين دليل ولايت فقیه همين دليل است چرا که شان ولايت جعلي و خلافت جعلي شاني است باقي به جعل الهي و نمي تواند باقي نباشد، كما اينكه شان خلافت تكويني باقي است ،لذا ما وقتي بحث مهدويت مي كرديم به شما گفتيم ، شايد كسي سوال كند چه اشكال دارد امام زمان 40سال ،30سال، قبل از ظهور به دنيا بیاد بعد هم ظهور كند؟\_ حرف اهل تسنن اونا سراصل امام زمان با ما دعوا ندارند ميگویند درست است که امام زمان بايد ظهور كند از اولاد پيغمبر هم هست مسلمه است دعوایي با ما سر انتظار مهدي نيست سر حيات مهدي است ما ميگيم الان زنده است و غائبه اونها مي گویند بعدا به دنيا مي آید و ظهور مي كنه دعوا سر اين قسمت است .

جوابی که ما می دهیم این است که اگر الان امام زمان نباشد خلافت تكويني از بين مي رود، چرا اگر مهدي زنده نباشه خلافت تكويني خراب مي شه ،

اين تعبير بيمينه رزق الوراء و بوجوده ثبتت الارض و السماء يا آيات سوره قدر شب قدر و شب تقدير و مقدرات را مطرح کردیم.

به نظرامام ، همانطور كه بايد ولايت تكويني و خلافت تكويني مستمر باشد خلافت جعلي هم باید استمرار داشته باشد.

در خلافت جعلي اختيار خليفه درهمه احكام سلطاني برقرار است و لذا ولايت جعلي مطلقه است.

تفاوت معصوم وغیر معصوم

ايشان میفرمایند فرقی بين معصوم و غيرمعصوم در خلافت جعلي مطلقه نیست اگر فرقي هست در خلافت تكوينيه است. لذا چنین تعبيري در کتاب البیع دارند : فللفقيه العادل جميع مال رسول الله والائمه مما يرجع الي الخلافه و السياسه

اگر ولايت جعلي دليلش روشن شد ، ولايت مطلقه را براي فقيه در هرچه براي رسول الله و ائمه در ولايت جعلي و قراردادي ،هست برای فقیه عادل هم هست.

در ادامه ایشان استدلال مي كنند به 1.جاودانگي اسلام2. جهاني بودن اسلام 3.طبيعي بودن احكام اسلامي و تقريبا با اين سه بيان مي خواهند نشان بدهند ولايت جعلي باقيست خيلي خوب هم استدلال مي كنند و بعد از این نوبت به کار روایی ميرسد .

يكي از كارها ي خيلي خوب حضرت امام اين بود كه آخر عمرشون تكليف ولي فقيه را هم روشن كردند كه كسي اختلاف نكند به این ترتیب که :

اولا بر اساس همين مباني ثابت شد كه مرجعيت و اعلميت در ولی فقیه شرط نيست .

ثانيا فردي كه به اصرار شاگردان ايشان بعنوان قائم مقام رهبري تعیین شده بود را امام عزل کرد و به شهادت فرزندانش و بعضي از شاگردان، مقام معظم رهبري را معرفي كرد.

به این ترتیب هم تكليف ولايت فقيه و هم تكليف ولي فقيه در آرائ امام تا حدودي روشن شد اما بقيه بحث هاي ولايت فقيه را كه باید به ادله بپردازيم و ريزه كاري ها را بيان كنيم ان شاءالله بماند برای آینده .